



**مجلات منطقه ما :**

عنصری، ۱۷ شهر یور، کوی کارگران، مقدم، کوشش، کوی پلیس، پروین اعتصامی المهدی، سیدی، ولی عصر (عج)، عسکر به، انقلاب، بهارستان، ابوذر، ایمان، رباط، ایوان، طرق

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۲۵۷ / سه شنبه ۱۸ مهر ۹۶  
Shahrara.com/neighborhoods.html

# شهر محله‌ها

تاکسیران ساکن در منطقه ما

اوقات بیکاری اش را به حل کردن جدول

اختصاص می دهد

**همسفر با «جدول»!**



۶

داستان تابلوهای ارزشمندی که «محمد حمیدی»  
به سفارش کانسب قدیمی محله هفده شهر یور کشیده است

## راوی نقش های ماندگار

۴ و ۵



بخشی از تابلوی «توبه سوره» اثر محمد حمیدی

عاشقان اهل بیت (ع) در مسیر پیاده روی:  
آغاز خدمت رسانی در اربعین حسینی

۳



رئیس اداره فنی و عمران منطقه:  
خیابان «محمد ناظر» آسفالت می شود

۲





رئیس اداره فنی و عمرانی منطقه:

## خیابان «محمد ناظر» آسفالت می شود



لکه گیری و مرمت آسفالت در خیابان های اصلی و فرعی منطقه اجرا می شود. ابراهیمی افزود: اجرای برنامه های عمرانی اعم از روکش آسفالت، ترمیم نوارهای حفاری، رفع نقاط آبگیر، پیاده روسازی، مرمت پل های فلزی و هم سطح سازی در بچه ها از اولویت های اجرایی منطقه است.

رئیس اداره فنی و عمرانی شهرداری منطقه تصریح کرد: تمامی خیابان ها و محلات سطح منطقه که نیاز به ترمیم یا روکش آسفالت دارند، شناسایی و عملیات ترمیم و روکش آسفالت در آن ها اجرا می شود.

وی گفت: عملیات اجرای روکش آسفالت این معبر با متراژ ۲۲۰ متر مربع و با اعتباری بالغ بر ۶۶ میلیون ریال و با هدف تردد آسان شهروندان، اجرا شد.

هنوز آسفالت به دست شهرداری نرسیده است تا آن را تکمیل کنیم.»، همکاران ما در همین راستا لکه گیری معابر فرعی خیابان شهید رجایی و واقع در خیابان شهید حنایی (دانش شرقی) را انجام داده اند که طی آن ۲۲۰ متر آسفالت، لکه گیری شده است.

### لکه گیری و مرمت آسفالت در خیابان های اصلی و فرعی منطقه ۷

همچنین در همین راستا به علت فرسوده بودن آسفالت و به منظور آسان شدن تردد در خیابان رجب زاده ۷ و ۹ و ۱۶ واقع در شهید حنایی، بهسازی آن در دستور کار قرار گرفت.

رئیس اداره فنی و عمرانی منطقه گفت: با هدف ارتقای کیفی و بهسازی معابر و پیاده روها،

لکه گیری معابر فرعی خیابان شهید رجایی و واقع در خیابان شهید حنایی (دانش شرقی) انجام شد که طی آن ۲۲۰ متر لکه گیری آسفالت صورت گرفت. به گزارش شهردار محله و به نقل از روابط عمومی شهرداری منطقه ۷، با توجه به پیامک ارسالی به روزنامه شهردار با این مضمون: «اقدام خوبی که شهرداری منطقه ۷ در خیابان «محمد ناظر» ۲۰ و ۲۷ انجام داده، این بوده که زیرسازی این خیابان ها را انجام داده است اما می خواستم ببینم که چه وقتی کار آسفالت این خیابان ها انجام خواهد شد؟».

یاسر ابراهیمی مقدم، رئیس اداره فنی و عمرانی منطقه گفت: «زیرسازی خیابان های ذکر شده از جمله تسطیح رگلاژ و کمپکت، در راستای بهسازی معابر فرعی منطقه انجام شده، اما



به علت فرسوده بودن آسفالت و به منظور آسان شدن تردد در خیابان رجب زاده ۷ و ۹ واقع در شهید حنایی، بهسازی آن در دستور کار قرار گرفت

با هدف کاهش مصرف انرژی و افزایش ایمنی انجام شد

### تعویض پروژکتورهای برج نوری محله ابوذر

برای تعویض پروژکتورهای برج نوری که شامل ۶ عدد است، بالغ بر ۴۰ میلیون ریال اعتبار صرف شد.

به گزارش شهردار محله و به نقل از روابط عمومی شهرداری منطقه ۷، حمید شرکت سعیدی، رئیس اداره فضای سبز منطقه، از تعویض پروژکتورهای برج نوری شهرک ابوذر با پروژکتورهای cob خبر داد.

وی در این باره گفت: با هدف کاهش مصرف انرژی و افزایش ایمنی و همچنین بهبود روشنایی، پروژکتورهای برج نوری شهرک ابوذر با پروژکتورهای کوب تعویض شد.



### مراسم شهادت امام سجاد (ع) با حضور بانوان طرقي برگزار شد

عزاداری در آستان خواجه اباصت

اعضای پایگاه بسیج بانوان شهرک طرق در مراسم عزاداری روز شهادت امام سجاد (ع) در آستان مبارک خواجه اباصت شرکت کردند.

به گزارش شهردار محله و به نقل از روابط عمومی شهرداری منطقه ۷، این برنامه با مشارکت مساجد و پایگاه های بسیج خواهران محلات منطقه ۷ و با همکاری حوزه ۲ بسیج نجمه (س)، هم زمان با سالروز شهادت امام سجاد (ع)، با حضور ۱۴ پایگاه بسیج خواهران در آستان خواجه اباصت برگزار شد.

مراسم با سخنرانی و مدیحه سرایی و ذکر رشادت های حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) در رساندن پیام کربلا به مسلمانان جهان، همراه بود. مراسم یاد شده با حضور بیش از ۴۰۰ نفر از بانوان سطح منطقه به اجرا درآمد.

رئیس اداره فضای سبز منطقه، از تولید گونه های گیاهی مختلف در تولیدات گیاهی منطقه خبر داد.



### با هدف تأمین ایمنی عابران پیاده و دانش آموزان انجام شد

## اجرای خط کشی و نصب سرعت گیر

مدارس، اداره حمل و نقل و ترافیک منطقه اقدام به شناسایی و نیازسنجی برای خط کشی خطوط عابر پیاده و احیای رنگ سرعت گیرهای موجود در محدوده مدارس کرد.

اسماعیلی افزود: همچنین برای تأمین امنیت و ایمنی دانش آموزان، اقدام به خط کشی ۷۸۰ متر مربع از خطوط عابر پیاده و احیای رنگ سرعت گیرهای موجود کردیم.

اهداف اداره ترافیک منطقه و با هدف تأمین ایمنی عابران پیاده به ویژه دانش آموزان



شناسایی مدارس به منظور احیای خطوط یا سایر اقدامات ایمنی (شامل نصب تابلو و تجهیزات) در طول سال و به طور مستمر صورت می پذیرد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۷، مرتضی اسماعیلی، رئیس اداره حمل و نقل و ترافیک منطقه، از اجرای خط کشی و رنگ آمیزی سرعت گیرها در منطقه خبر داد. وی در این باره گفت: در راستای تحقق

## تغییر گونه های گیاهی در فصل پاییز آغاز شد

و سایر مکان های مدنظر منتقل می شوند. این گونه های گیاهی را نیروهای این منطقه با کمترین هزینه ممکن، در دو کارگاه تولیدی واقع در صبا ۹۱ و بولوار فرودگاه تولید کرده اند.

هستند، به تولید گونه های گیاهی مختلف، متناسب با شرایط آب و هوایی اقدام شد. او گفت: این گونه های مختلف شامل گلدانی و غیرگلدانی است که در شرایط خاص جوی و با توجه به هر فصل به پارک ها، کناره های خیابان

رئیس اداره فضای سبز منطقه، از تولید گونه های گیاهی مختلف در تولیدات گیاهی منطقه خبر داد.

شرکت سعیدی افزود: با توجه به اینکه تعدادی از گونه های گیاهی، مناسب فصل خاصی

## خبر

## در کارگاه تولیدات منطقه انجام شد ساخت ۲۰۰ درپچه فلزی برای کانال‌ها و جداول

رئیس اداره خدمات شهری منطقه، از ساخت درپچه‌های فلزی برای تأسیسات سطح منطقه خبر داد.

مجتبی میربلوکی در این زمینه گفت: در راستای استفاده بهینه از امکانات و عمل به شعار «اقتصادمقاومتی؛ تولید و اشتغال»، شهرداری منطقه به ساخت ۲۰۰ درپچه برای تأسیسات آب و فاضلاب در کارگاه تولیدات اقدام کرد. او افزود: این درپچه‌های فلزی در ابعاد ۵۰ در ۵۰ و ۱۱۰ در ۱۳۰ ساخته شده است.

این درپچه‌ها برای کانال‌ها و جوی‌های فاضلاب سطح منطقه ساخته شده است و در مرحله نصب و جانمایی است.



## با اعتباری بالغ بر ۱۲۰ میلیون ریال دیوار مدارس رنگ‌آمیزی شد

نقاشی و رنگ‌آمیزی دیوار مدارس منطقه با متراژ ۷۰۰ مترمربع انجام شد.

به منظور زیباسازی منظر شهری و ایجاد روحیه نشاط و شادابی بین دانش‌آموزان، شهرداری منطقه به رنگ‌آمیزی و نقاشی مدارس ابتدایی رحمانی پور واقع در خیابان احسان (عسکریه) و سیدی واقع در بولوار صبا اقدام کرد. این اقدامات با اعتباری بالغ بر ۱۲۰ میلیون ریال و با متراژ و زیرسازی ۷۰۰ مترمربع انجام پذیرفت.



اعضای تیم منتخب کوهنوردی استان خراسان رضوی پس از فتح قله ماناسلودر کشور نپال، وارد فرودگاه شهیدهاشمی نژاد شدند

عاشقان اهل بیت (ع) در مسیر پیاده‌روی:

## آغاز خدمت‌رسانی در اربعین حسینی



استخدامی) که تمایل به خدمت به زائران سرور و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالمطلب (ع) را در راه پیمایی جهانی اربعین دارند، می‌توانند هر سال در زمان فراخوان ثبت نام کنند و برای خدمت‌رسانی اعزام شوند.

اربعین حسینی تا روز دوشنبه ۱۷ مهر بود. او افزود: در ضمن هزینه گذرنامه و ویزا و همچنین بلیت رفت و برگشت به عهده شخص متقاضی است. وی در این باره گفت: طبق سنت هر ساله، آن دسته از همکارانی (با هر نوع قرارداد

معاون اداری و مالی منطقه، از پایان ثبت نام همکاران شهرداری برای خدمت‌رسانی در راه پیمایی اربعین حسینی خبر داد. به گزارش شهرآرامحله و به نقل از روابط عمومی شهرداری منطقه ۷، سیدحسین احمدزاده گفت: مهلت ثبت نام خدمت‌رسانی در

## با صعود تیم استان به قله ماناسلو

## کوهنوردی در قله دوم جهان ایستاد

قهرمانی نشان دهد. جواد نوروزی که یکی از اعضای این تیم کوهنوردی است، ساکن محله طوق است و در کنار سایر هم‌تیمی‌های موفق به کسب مقام نقره جهانی در فتح قله ماناسلو واقع در هیمالیای نپال شد. این اقدام در راستای برنامه ملی و شاخص استان و هم‌زمان با رویداد بین‌المللی و ارزشمند مشهد ۲۰۱۷ انجام شد. اعضای تیم اعزامی کوهنوردی خراسان رضوی شامل جواد نوروزی، مجید مذهبی و حمید کریم‌پور می‌باشد.

شهر مشهد، در حاشیه این مراسم به گفتگو با خبرنگار ما پرداخت و گفت: در آغازین روزهای فعالیت شورای پنجم، این گروه کوهنوردی حرکت خود را از ساختمان تالار شهر و شورا آغاز کرد. بسیار خرسندیم که این عزیزان در صعود ارزشمند خود موفق بودند. وی افزود: شورای پنجم به همان میزان که در حوزه ورزش همگانی با کمک مدیریت تربیت‌بدنی شهرداری فعالیت می‌کند، در حوزه ورزش قهرمانی نیز تلاش خواهد کرد. فعالیت‌هایی که در ورزش همگانی صورت می‌گیرد، نتیجه و ثمره خود را باید در ورزش

جواد نوروزی، عضو تیم کوهنوردی و صعودهای خراسان رضوی، توانست قله ۸ هزار و ۱۶۳ متری ماناسلو واقع در هیمالیای نپال را فتح کند.

اعضای تیم منتخب کوهنوردی استان خراسان رضوی پس از فتح قله ۸ هزار و ۱۶۳ متری ماناسلو در کشور نپال، عصر چهارشنبه با استقبال رئیس شورای شهر، مدیرکل ورزش و جوانان استان و دیگر مسئولان استانی وارد فرودگاه شهیدهاشمی نژاد شدند. محمدرضا حیدری، رئیس شورای اسلامی

## با حضور اعضای شورای اداری منطقه انجام شد

## معرفی مشاور جوان منطقه

تعامل بیشتر فرازی با همکاران و اعضای شورای اجتماعی را خواستار شد. در پایان مراسم، رضا فرازی با اهدای حکم، برای یک سال مشاور جوان منطقه معرفی شد که در صورت تمایل و عملکرد مثبت وی، تا دو سال تمدید شدنی است. مشاور جوان چهار روز هفته در منطقه حضور دارد و در روز دیگر را در دوره‌های توانمندسازی گروه مشاوران جوان شرکت می‌کند.

در این جلسه ابتدا قاسم‌زاده، رئیس گروه مشاوران جوان شهرداری، به بیان گزارش عملکرد این گروه پرداخت و مشاور جوان جدید منطقه را از نیروهای فعال و مؤثر گروه دانست. در ادامه شهردار منطقه ضمن خوشامدگویی، بر استفاده از ظرفیت‌های شورای اجتماعی محلات و نخبگان تأکید کرد. شهردار منطقه ضمن تشکر از آقایان ملک‌زاده و ابراهیمی، مشاوران جوان سابق منطقه،

رضا فرازی با اهدای حکم به مدت یک سال به عنوان مشاور جوان شهرداری منطقه معرفی شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۷، جلسه معرفی مشاور جوان منطقه با حضور علیرضا عصمت‌پرست، شهردار و معاونان منطقه، و قاسم‌زاده، رئیس گروه مشاوران جوان شهرداری مشهد، و همچنین اعضای شورای اداری برگزار شد.





داستان تابلوهای ارزشمندی که «محمد حمیدی» به سفارش کاسب قدیمی محله هفده شهر پور کشیده است

## راوی نقش‌های ماندگار

نعیمه زینبی - «سیدحسین تفتی» عاشق است و آنچه دلش را تسلی می‌دهد، کوششی است که در راه رسیدن به معشوقش به‌کار می‌گیرد. کسی نمی‌داند که این شوریدگی از کجادر زندگی او با گرفت و ریشه دواند و قوی تر شد ولی وقتی حاجی دنیا را ترک می‌کند، حدود ۶۰ تابلو دارد که نشان از عشق بی‌حد و انداز هاش به‌کاری است که می‌کند. اومیان سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۷۷ عاشقی کرده است و حالا در میانمان نیست که از آثارش بگوید، بنابراین پای حرف پسرش نشستیم تا بر ایمان از داستان پدر بگوید.

آشنا شد ولی مدت‌های مدیدی نقاشی، نقطه مشترک او و حسین تفتی می‌شود. حاج آقا تفتی آن قدر سخت‌گیر است که کار کسی جز او را قبول ندارد و شاید هیچ‌کس هم نتواند با او کار کند!

### ■ آشنایی با استاد

امضای استاد پای تابلوها، خودش نشان از ارزش نقاشی است. سال‌ها نقاشی قهوه‌خانه‌ای کشیده و حالا هر جا «ح» حمیدی را گرد می‌کند و می‌نویسد: «محمد حمیدی»، همه می‌دانند که امضای شخص واردی پای کار خورده است. او از نوجوانی با قلم‌موی رنگ روغن و بوم، رفیق بوده است. کنار دست استاد چون «حسین قولر آقاسی» نشست و رنگ‌ها را با هم ترکیب کرده و با حرکت قلم به بوم سفید جان بخشیده است تا هنر غربی در خدمت به دین و آیین کشورش در بیاید؛ هنری که به خواست مردم و به پاس احترام‌های آنان متولد شد و جان گرفت. حالا سال‌های بعد از انقلاب کشورش را می‌بیند، نمی‌داند چطور شد که با حاج آقا

### ■ نقش حاجی روی بوم

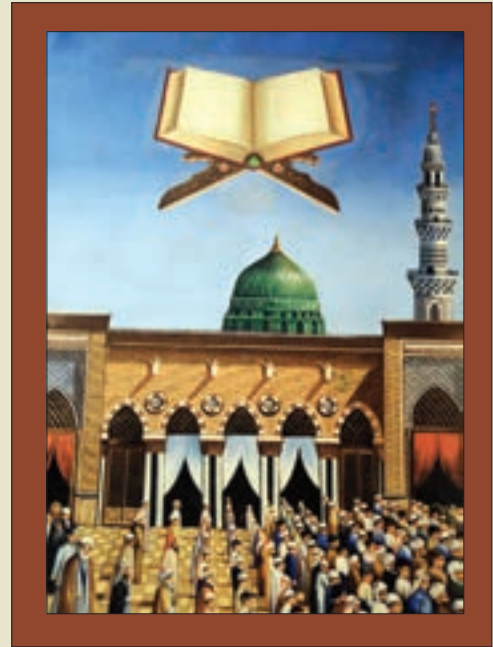
لباس مخصوصش را می‌پوشد و می‌نشیند روی چهارپایه کوتاهی و بوم را می‌گذارد رویه رویش. رنگ‌ها را روی پالت مخصوص می‌گذارد و به صحبت‌های حاج آقا گوش می‌دهد. استاد می‌داند که باید صبور باشد و به تمام جزئیاتی که گفته می‌شود، دقت کند. می‌داند که چقدر کوچک‌ترین سر قلم‌موی در این نقاشی می‌تواند مهم باشد. می‌داند که صاحب این اثر بارها کاری را که تقریباً آماده بوده، به دلیل اندک مشکلی، دوباره سفارش داده. هر دو با هم پا

### ■ به او الهام می‌شد

وقتی عروس حاجی تفتی شاگرد استاد می‌شود، شروع می‌کند به تعریف کردن داستان‌هایی که از وسواس خاص حاجی توی ذهنش همچنان پررنگ مانده است. استاد معتقد بود که به او الهام می‌شود. بارها بارها برایش پیش می‌آمد که مجبور شوند طرحی را نیمه‌کاره بگذارند و دوباره بکشند. بارها شب‌ها بایک طرح می‌رفت و صبح باتغییرات جدیدی برمی‌گشت. اصرارهای استاد حمیدی هم که این نقاشی فقط نصف روز کار دارد، اراده حاجی را تحت تأثیر قرار نمی‌داد که کوتاه بیاید







از میانشان می رود و دیگران می گویند که «خدا رحمت کند پدرتان را، خانه برایمان ساخت، کارمان راه انداخت»، این کارهای خیر انگار در بچه‌ها هم ریشه می دواند و حالا آن‌ها هم از اعضای خیریه و صندوق کوثر خیابان هفده شهریور هستند که مدام گوشی تلفنشان زنگ می خورد و گرفتاری، چشم امید به مهر بانی شان دوخته است.

#### راهی برای تبلیغ

صحبت از معنا که می شود، نیازی به حرف نیست. همین که به سراغ تابلوها و ترکیب رنگ‌های می روی، خودش به تومی گوید که قرار است راوی چه حکایتی باشد. اولین تابلویی که حاجی به سراغش رفت، لوحی از قرآن بود که ۱۴ ستاره بر روی سرش دارد و حکایت دل بستگی اش به چهارده مصوم و کتاب خداست؛ طرح ساده‌ای که برای جلسه قرآنی می کشد و به آن می گویند «تابلوی مکتب قرآن»، تابلویی که پسرهای کنارش می ایستند تا عکاس، اولین عکس یادگاری تابلوهای حاجی را ثبت کند.

خیلی از مفاهیم حول محور غدیر و امام علی (ع) هستند. تابلویی، نقش ماندگار نماز ظهر عاشورا را به تصویر کشیده. جای دیگر امواج رود نیل، نجات بخش موسی (ع) می شود و در صحرایی دیگر ابراهیم (ع) پسرش را قربانی می کند. روایت‌هایی که به نقش درآمده اند تا زبان تصویر، گویای واگویی‌های ذهن پرده‌غده حاج آقافتی باشند. گاهی هم به سراغ آیات و روایات می رود تا در قالب تصویر در دل مخاطب نفوذ پیدا کند. پسرش می گوید: «به مادرش رفته بود. خیلی معتقد بود. علاقه مند به جلسات مذهبی و قرآن بود. کسی که بیان داشت، سخنرانی می کرد و منبر می رفت. پدرم این راه را برای تبلیغ دین انتخاب کرد.»

پسر می داند که پدر، خودش را وقف این کار کرد و تا زمانی که روی پایبومی توانست، آن را ادامه داد. تازوی که اجل دیگر مهلتش نداد. همین است که حالا ده تابلوی نیمه تمام دارد که راوی داستان‌های نگفته پدر است؛ داستان حرف‌های ناتمام، تابلوهایی که همچنان انتظار می کشند تا عاشقی دیگر پیدا شود و تمامشان کند....

دیده اند که به دنبال بساط نقاشی اش است. بارها وقتی سراغش را از پسرها گرفته اند، شنیده اند که دارن نقاشی تازه‌ای می کشد.

#### نمایشگاه

چند جایی نمایشگاه شرکت می کند. نمایشگاهی در باغ نادری برگزار می شود. با تعدادی از تابلوها شرکت می کند و اول می شود و هدیه می گیرد. نفس حاجی به تابلوهایش بند است. وقتی شاگردش آن‌ها را روی هم می گذارد و از طبقه سوم پایین می آورد، برزخ می شود و صدایش بلند می شود که این تابلوها احترام دارد، ارزش دارد. نباید آن‌ها را این طور پایین بیاوری. شاگردش را مجبور می کند که تابلوها را برگرداند و آن‌ها را دوباره پشت به پشت پایین بیاورد تا دیگر کسی با آن‌ها نماندگار نباشد. وقتی پدر می رود و میراث ماندگار برایشان می گذارد، بچه‌ها سعی می کنند به وصیت او عمل کنند. هادی، پسر کوچکش، یک سالی نمایشگاه نقاشی‌های پدر را در کارگاه پدر برگزار می کند ولی این حرکت هم نمی تواند ادامه دار باشد. سال‌هاست که دیگر تابلوها را به نمایشگاه موقت نمی فرستند. آن‌ها را روی هم چیده اند و نگران هستند. از کاری که برای نازنینان پدر کرده اند، راضی نیستند. خودشان هم خوب می دانند که ارزش تابلوها بیش از این‌هاست اما هنوز به نتیجه نرسیده اند که گنجینه با ارزش پدر را چطور حفظ کنند.

#### پیروپدر

وقتی کسی نیازی دارد، بچه‌اش مریض است، پول دوا و دکتر می خواهد، سراغ مغازه حاجی را می گیرد. میان آهن آلات سرد تراکتور، قلب مهر بانی کاسبی می کند. روحش لطیف و دلش آن قدر نرم است که دست رد به سینه هیچ کسی نمی زند. مردم دار است و خیلی‌ها مغازه حاجی را در محله هفده شهریور به دست خیر اومی شناسند. بچه‌ها می بینند که پدر دست دهنده‌ای دارد. هر کسی از او کمک بخواهد، ردش نمی کند. می دانند که خیلی از آشنایان و اطرافیان وقتی که گره در کارشان می افتد، به سراغ پدرشان می آیند اما شاید نمی دانند که پدر ساکت و آرامشان چقدر دستگیری کرده است. وقتی پدر

وقت می گذارد. شبیه فرزندی که هر کدام متولد می شوند، شوقی عجیب در دل او بیدار می کنند. او به جای اینکه خسته شود، تلاشش بیشتر می شود. ساعت‌ها، روزها و سال‌ها وقت می گذارد تا هر کدامشان را بگیرد، طراحی شوند و به دست هنرمند نقاش و خطاط سپرده شوند. هزینه زیادی پای تابلوهایش می گذارد. به کسانی که برای تابلوهایش کاری می کنند، خوب پول می دهد. شب‌ها و روزهایش پر است از ایده و طرح و نقاشی. تابلوهایش یکی دو تا هم نیست. در او شور و شیدایی در هم آمیخته تا نگذارد آرام بنشیند. درونش متلاطم است و هر تابلویی را که تمام می کند، به سراغ بعدی می رود. حاجی کم حرف است و تنها چیزی که او را سر ذوق می آورد تا چند کلمه صحبت کند، نقاشی است. نقاشی برایش شاید راهی است که خود را با کمک آن در درگاه خدا مقرب تر کند. نجوای میان او و کاغذها و نقاشی‌ها همچون روضه‌ای است که جوش و خروش درونی اش را کمی آرام تر می کند.

#### کاسب هفده شهریور

زمانی بساط می کند و لوازم پدکی و دست دوم می فروشد. زحمت کش است و می تواند برای خودش مغازه‌ای در هفده شهریور دست و پا کند. اهالی محله هفده شهریور او را به فروش لوازم پدکی ماشین آلات کشاورزی می شناسند. سال ۳۸ زمینش را می خرد و ساختمانش را می سازد. هنوز از پاساژها و بازارهای مختلف خبری نیست که آدم میان شلوغی شان گم بشود. زمین‌های کشاورزی دور تادور مشهد را گرفته اند و کاروکاسبی حاجی حسابی رونق دارد؛ مغازه‌ای که هنوز پابر جاست و حالا در آستانه شصت سالگی قرار دارد و پسرهای حاجی تفتنی اداره اش می کنند. آن‌ها همان کار پدرا را ادامه داده اند. تا وقتی که نقاشی جای تمام علاقه‌های دیگر حاجی را بگیرد، مغازه را خودش می گرداند و وقتی پسرش از سربازی برمی گردد، کار را به پسرانش می سپارد تا خودش، عشق دیرینه‌اش را میان بوم‌ها و رنگ‌ها جستجو کند. کاسبان محل، همه از علاقه حاجی به نقاشی قهوه‌خانه‌ای خبر دارند. بارها تابلوهایی را دیده اند که حاجی روی دیوار آویخته است. بارها او را کیسه به دست

#### زندگی میان رنگ‌ها

حاجی طبق قاعده زندگی می کند. روی همه کارهایش دقیق و حساس است. شب، زود می خوابد و سحر بیدار است. دور حیاط خانه‌اش راه می رود و آرام، ذکر سبحان قدوس می خواند. بعد نماز شب، نوبت نماز صبح و قرآن و یک صبحانه مفصل است. صبح باز کیسه برنجی زبیداری را که وسایلش را توی آن می گذارد، برمی دارد و راه می افتد. هیچ کس نمی داند کجای رود ولی می دانند یارفته پیش خطاط یا نقاش یا روحانی‌ای که برای نقاشی‌ها از او کمک می گیرد. وقتی می خواهد مفاهیم قرآنی را به تصویر بکشد، با روحانی مشورت می کند. دخترش خطاطی می کند و گاه گاهی کارهای آقا جانش را انجام می دهد. حاجی به دخترش هم زمان می دهد. اگر معطل شود، کارش را از اومی گیرد و راه می افتد دنبال خطاط دیگری. از دختر دیگرش برای ساده کردن معانی و مفاهیم قرآنی کمک می گیرد تا هم معنی را برساند و هم همه فهم باشد. می خواهد مردم عادی کوچه و بازار هم وقتی می بینند، بفهمند. دلش می خواهد تصاویر و مطالب، خودشان، گویای داستان‌شان باشند ولی وقتی کاری را از دخترهایش تحویل می گیرد، مشتش را گره می کند و چیزی کف دست آن‌ها می گذارد. می گوید: «تو از وقت شوهر و بچه‌ات برای من گذاشته‌ای، شاید آن‌ها راضی نباشند». او پول کار بچه‌ها را می دهد که هیچ حقی را ناحق نکرده باشد.

#### کاری که دیگران نمی کنند

همه اهالی خانه با کارش مخالفند. آن‌ها از اینکه او وقتش را پای نقاشی می گذارد، راضی نیستند و به او اعتراض می کنند. از مادر و برادرش گرفته تا زن و بچه‌هایش. هیچ حمایتی از او نمی شود ولی باز ادامه می دهد. انگار رسالتی بر دوش او گذارده اند که کس دیگری نمی تواند انجامش بدهد. خودش بارها به پسرش گفته است: «من کاری می کنم که دیگران نمی کنند». وقتی به اومی گویند اگر وقت آزاد است، کار دیگری را انجام بده، می گویند: «کارهای دیگران دیگران می کنند.»

#### عاشقانه‌های پدر

پدر عاشقانه و مشفقانه برای تابلوهایش

و طرح را عوض نکند. نه اینکه یک دفعه همه چیز را کن فیکون بکند؛ مثلاً جایی نگاه سرداری را نمی پسندید یا شاید کمتر از این. وقتی حاجی حرفی می زد، باید روی نقاشی اجرا می شد. می گفت نکند به حاجی وحی شده که این قدر طرح‌هایش را با ظرافت توصیف می کند. انگار نقش بسته بودند. جوری طرح می داد انگار که تصویر کامل شده، روبه‌رویش نشسته است و حالا می خواهد از روی آن یک کپی بکشد که با اصل آن موزنند. استادی که وقتی حرف از فروش تابلوهای حاجی بعد از مرگش می شود، می گوید: «کسی ارزش این‌ها را نمی داند. اگر خواستید آن‌ها را بفروشید، به من بگویید. من می دانم که هر تابلو چقدر می ارزد.» امانه ورته، خیال فروش دارد و نه عمر استاد نقاش به قیمت گذاری تابلوهای حاجی قدمی دهد. او هم چند سال بعد از حاجی، شصت سالگی را ناتمام می گذارد و می رود.

#### همیشه مشغول کار

ساعت نزدیک یک نیمه شب است. رفت و آمدهای خیابان کم شده. چراغ خانه‌ها یکی یکی خاموش می شود اما چراغ روبه خیابان طبقه سوم همچنان روشن است. اهالی می دانند که اینجا خانه حاجی تفتنی است. می دانند که باز حاجی دارد به طرح تازه‌ای فکر می کند و تا وقتی کارش تمام نشود، معلوم نمی شود چه طرحی در ذهن دارد. دور تادور کارگاهش، قفسه‌های بزرگ فلزی طبقه‌ها با فاصله‌های کم جای گرفته اند. هر طبقه پر است از پوسته‌های جورا جور و کتاب‌های مختلف، مقوا و کاغذ و چسب و ورق‌های پاره پاره. برای کشیدن طرحش از نقاشی کتاب‌ها و اشکال پوسته‌ها کمک می گیرد. آن قدر توی کتاب‌ها و پوسته‌ها می گردد تا طرحی را که به دلش می نشیند، پیدا و آن را از میانه کتاب جدا کند و روی مقوا بچسباند. طرح‌های حاجی گاهی این گونه شکل می گرفتند. دنیای حاجی پر بود از کتاب‌هایی که تصاویرش را در آورده بودند؛ پوسته‌هایی که قسمتی از نقش‌شان به کمک طرح‌های او رفته بودند و فکرهایی که وقتی به ذهنش می رسید، تاروی بوم اجرا نمی شد، دست از سر او بر نمی داشت.





## تاکسیران ساکن در منطقه ما اوقات بیکاری اش را به حل کردن جدول اختصاص می دهد

# همسفر با «جدول»!

شادفر - سال هاست که این شغل سخت را انتخاب کرده است و حالا در ۶۱ سالگی به عنوان یک تاکسیران خاص شناخته می شود. مسافرانش او را با مجلات و نشریات جدول می شناسند، اما شهرتی به نام «آقا جدولی» ندارد. با این همه، واقعا جدولی است. «علی اکبر مجیدی معین» از هر فرصت و زمان بیکاری ای برای پیدا کردن جواب سوال ها و معماهای جدول ها و پر کردن خانه های مربعی سیاه و سفید آن ها استفاده می کند. برایش فرقی ندارد چه جدولی و با چه در چه از سختی باشد، مهم این است که هر روز جدول حل کند و هیچ کاری مانع سرباز زدن او از این سرگرمی نمی شود. در یکی از همین روزها سوار تاکسی او شدیم و درباره سرگرمی اش با او گفتگو کردیم.

### ■ حل کردن جدول و رفع خستگی

اما این راننده هر جایی که امکانش باشد از حل کردن جدول سرباز نمی زند. می گوید با حل کردن جدول، خستگی یک روز کسالت بار از ذهن تان پاک می شود و در کمتر از نایبه ای از همه مشکلات و دغدغه های ذهنی راحت می شوید. معمولا همکاران من در زمان های بیکاری، دور هم جمع می شوند و یک لیوان چای می خورند، اما من در ماشینم می مانم و جدول حل می کنم. مجیدی آنقدر جدول حل کرده است که حالا ادعا می کند: من معمولا همه جدول ها را توانسته ام کامل حل کنم. سخت و آسان ندارد. شاید زمانش طولانی شود ولی حتما کاملش می کنم.

### ■ زبان انگلیسی ام خوب است

او خاطرات و خطرات زیادی را از سر گذرانده است. می گوید: در زمان خدمتم در نیروی هوایی، مسئول مخازن و انبار اقلام بودم. اوایل شروع به کارم، فراگیری زبان انگلیسی را شروع کردم و همین موضوع باعث شده گاهی وقت ها با مسافرائی که از کشورهای دیگر به شهرمان می آیند و سوار تاکسی ام می شوند معاشرت داشته باشم و در معرفی مکان های گردشگری و مراکز تجاری راهنمایی شان کنم.

مجیدی سابقه حضور در مناطق جنگی از جمله جزیره خارک را هم داشته و در سال های ۵۷-۵۸ نیز در بطن حوادث انقلاب بوده است. او در واقعه ۱۷ شهریور سال ۵۷ در میدان شهدای تهران حضور داشته و جزئیاتی از آن روز را به یاد می آورد. می گوید: اتحاد و همبستگی مردم ایران در انقلاب، بی نظیر بود و همه کسانی که آن دوران را تجربه کردند این موضوع را خوب درک کرده اند.

حالا که او این سال های بازنشستگی اش را تاکسیران شده، گاهی به کارهای جوانی اش فکر می کند و به روزهایی برمی گردد که اعلامیه در جورابش می گذاشته و نوار کاست های سخنرانی را رد ویدل می کرده است. خاطراتش را که مرور می کند لبخندی می زند و خدا را شکر می کند که: «با همه خطرهایی که کردم حالا سالم هستم.»

گفتگویی که تمام می شود همان مجله جدولی را برمی دارد که قرار است حل کند. کنار تاکسی می ایستد و بیسیمش را در یک دست و مجله را در دست دیگرش می گیرد. می گوید: کار من همین است؛ همیشه یک دستم بیسیم و دست دیگرم جدول است!

شهر آرا عالی است، اما گاهی اشتباه دارد.

### ■ امان از صدای هواپیماها

هر روز از ابتدای صبح تا بعد از ظهر که برای به دست آوردن روزی حلال خیابان های شهر را و جاب می کند، مشکلات مردم و شهر را هم می بیند. او می گوید: چند وقت پیش، یکی از همین بچه های کار که سر چهارراه، روزنامه می فروشد، کم پیدا شده بود. هر روز به همان چهارراهی که او آنجا روزنامه می فروشد، می رسیدم چشم می انداختم تا ببینمش. یک روز بالاخره دوباره دیدمش. از او پرسیدم چند وقتی نبود، موضوع چه بود؟ آنجا بود که متوجه شدم خودرویی به او زده و مدت ها خانه نشینش کرده است. این تاکسیران خوشرو، مثل همه ساکنان منطقه ۷ دغدغه ای هم دارد، می گوید: صدای هواپیماها امانان را بریده است. از ساعت ۱۲ شب تا اول صبح، هواپیماها پرواز پست (کم ارتفاع) انجام می دهند و صدای عبور آن ها از روی خانه ها آسایشی برای اهالی نگذاشته است.

به ما می گوید: من هر هفته، به روزنامه رسان چهارراه نخریسی، یکجاپول روزنامه ها را می دم و صبح به صبح وقتی پشت ماشینم نشسته ام روزنامه ام را تحویل می گیرم. بعد بیشتر توضیح می دهد: معمولا کسانی که سر چهارراه روزنامه می فروشند ثابت هستند. اتفاقا روزنامه رسان چهارراه نخریسی هم ثابت است.

بهترین وقت های این تاکسیران، زمان هایی است که جدول دست می گیرد و آن رانندگانی در نیم ساعت تکمیل می کند. او تعریف می کند: «بچه ها می پرسند چطور این کار رو می کنی که فرم از دستت نمی پره؟!» منظورش همکارانش است که از کار او متعجب شده اند؛ آن ها از او می پرسند چطور می توانی هم به پیام هایی که از پشت بیسیم می شنوی توجه کنی و هم جدول حل کنی؟ آقای مجیدی هم همیشه به آن ها لبخند می زند، به این معنی که: «می شود». جدول از دست او نمی افتد! اگر روزنامه ای که می خرد جدول داشته باشد ابتدا آن را حل می کند، وگرنه به سراغ مجلات اختصاصی جدول می رود. می گوید: جدول های روزنامه

### ■ تاکسیران جدولی!

دلیل اینکه سراغ «علی اکبر مجیدی معین»، تاکسیران خوشروی ساکن در خیابان فداییان اسلام رفتیم، فقط شغل سخت و پرمشغله اش نیست، او در بین مسافران و همکاران به یک کار، شهره و عاشق حل کردن جدول است.

از او می پرسیم چطور شد که تاکسیران شده که پاسخ می دهد: سال ۷۴ که با ۲۵ سال سابقه خدمت از نیروی هوایی بازنشسته شدم بنگاه ماشین و املاک راه انداختم، اما این شغل به گروه خونی من نمی خورد! بعد از آن بود که به سمت تاکسی آمدم و تاکسیران شدم.

### ■ صبح به صبح باروزنامه

ماشین تاکسیران منطقه ما پُر از مجلات و نشریات جدول است. او می گوید: من از مخاطبان پروپا قرص روزنامه شما هستم و هر روز، جدول صفحه آخر آن را حل می کنم. مجیدی برای خرید روزنامه های صبح شیوه خاصی دارد و ادامه می دهد: من هفته ای یکبار پول می دم و روزانه روزنامه می گیرم. در توضیح این جمله



با حل کردن جدول، خستگی یک روز کسالت بار از ذهن تان پاک می شود و در کمتر از نایبه ای از همه مشکلات و دغدغه های ذهنی راحت می شوید





فعال طرح روزهای بدون خودرو  
پنجشنبه‌ها آموزش رایگان دوچرخه‌سواری دارد

## رکاب‌بزن

مشغول آموزش‌های اولیه دوچرخه‌سواری به یکی از تازه‌واردان گروه است. خوب معلوم است که برای آموزش از دل و جان مایه می‌گذارد. «جعفر طیرانی» پیش از اینکه برای ارائه طرح آموزش رایگان دوچرخه‌سواری در بوستان ترافیک پیش قدم شود، بانی حرکت گروه دوچرخه‌سواران در «سه‌شنبه‌های بدون خودرو» بوده است. او از ساکنان قدیمی محله کوشش و طرفدار طرح‌های رفت‌وآمد بدون خودرو در شهر است. برای همین دغدغه، پیش قدم شده است تا در تأمین هوای پاک شهر، نقش مؤثری داشته باشد.



مناسبی است که هم به لحاظ امکانات و هم طراحی اختصاصی‌ای که دارد متناسب با هدف من و علاقه‌مندان به دوچرخه‌سواری است.



### هر پنجشنبه، ساعت ۱۶

طیرانی از آغاز آموزش دوچرخه‌سواری به بانوان می‌گوید: طرحی که در حال حاضر مشغول آن هستم، آموزش دوچرخه‌سواری به خانم‌هاست. البته شرط سنی ندارد و هر کسی که علاقه‌مند باشد از نوجوان تا میان سال می‌تواند در طرح شرکت کند. ما برای این کار که تقریباً از دو ماه پیش آغاز شده است روزهای پنجشنبه را انتخاب کردیم تا خانم‌هایی که درگیر مدرسه فرزندان‌شان یا سایر موضوعات جاری زندگی هستند هم بتوانند در آن شرکت کنند.

شیوه ثبت نام هم آسان و ساده است. علاقه‌مندان فقط بایستی به بوستان ترافیک واقع در ابتدای خیابان خلیج بیابند و برای حضور

فعال در طرح اعلام آمادگی کنند. او از استقبال خانم‌ها راضی است و ادامه می‌دهد: استقبال خانم‌ها قابل تحسین است، اما با شروع فصل پاییز و سردتر شدن هوا در مقایسه با تابستان، جمعیت کمتر شده است.

طیرانی با خوشحالی از موفقیت نسبی طرح، یادآوری می‌کند: من هفته‌هایی را تجربه کردم که به ۳۰ شرکت‌کننده آموزش دادم و در میان آن‌ها خانم‌های ۵۵ تا ۶۰ سال یعنی گروه سنی میان سال هم بودند که برای خودم باورکردنی نبود.



### نیازی به دوچرخه شخصی نیست

اما آموزش دوچرخه‌سواری فقط با حضور یک مربی مشتاق میسر نمی‌شود. دوچرخه از الزامات است. طیرانی در این باره می‌گوید: در این طرح کسانی که مایل به یادگیری دوچرخه‌سواری هستند نیازی به آوردن دوچرخه شخصی ندارند.

حدود یک سال بود که آموزش رایگان دوچرخه‌سواری را در بوستان غدیر انجام می‌دادم، اما راه آنجا برای شهروندان مناسب نبود. به همین دلیل پیگیر شدم تا محل دوچرخه‌سواری را تغییر دهم

ما، در بوستان ترافیک محدودیت تعداد دوچرخه نداریم، اما محدودیت دوچرخه سالم داریم. تعدادی از دوچرخه‌هایی که به اینجا منتقل شده قطعاً نشان به درستی سرهم نشده است و تعدادی هم به دلیل مشکلات فنی، روان نیستند. در مجموع ۱۰-۱۵ دوچرخه سالم داریم که با همین تعداد، آموزش را پیگیری می‌کنیم. کسانی که آموزش می‌بینند مرحله به مرحله پیش می‌روند و درصدد هستیم که بتوانیم با توجه به اینکه آموزش‌ها در یک محیط تخصصی ارائه می‌شود به شرکت‌کنندگان گواهینامه هم بدهیم.

این شهروند فعال در زمینه ترویج فرهنگ دوچرخه‌سواری امیدوار است که بتواند فرهنگی را گسترش دهد که به واسطه آن، مردم ماشین‌های شخصی که عامل آلودگی هوا و شلوغی شهر هستند را کنار بگذارند و با دوچرخه و وسایل حمل‌ونقل عمومی رفت‌وآمد کنند. در پایان نیز می‌گوید: می‌خواهم شهرم را از آلودگی نجات دهم.





دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله در [shahraraonline.com](http://shahraraonline.com)



- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر عامل موسسه شهر آرا: مجید خرمی
- مدیر شهر آرا محله: مسعود نبی دوست
- مسئول شهر آرا محله منطقه ۷: سمیرا شاهیان
- تلفن دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
- تلفن دفتر شهر آرا محله منطقه ۷: ۰۳۳۴۰۰۴۳۴۰۷
- تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- دفتر مرکزی روزنامه شهر آرا: میدان شهدا، نیش دانشگاه یک
- دفتر شهر آرا محله منطقه ۷: بولوار فرودگاه، بعد از پل غدیر، بوستان ریحانه
- پست الکترونیک: [mahalle7@shahrara.com](mailto:mahalle7@shahrara.com)

سه شنبه | ۱۸ مهر ۱۳۹۶ | شماره ۲۵۷



بدرقه شهید مدافع حرم، «محمد جاودانی»  
از فرودگاه تامه‌دیه مشهد

# دیدار جاودانی

عکس: احمد حسینی / شهر آرا محله

